

نقاشی مدرن، بیگانه یا خودی

شیما شریفی کوشا *

محمودخان ملک الشعرا از نقاشان مطرح و همدوره سزان و نیز از مبدعان نقاشی نو است. در تابلوی «استنساخ» او، هیكل‌ها از حجم‌های هندسی حاکم تشکیل شده و یک طرح پیش‌کوبیستی است، و نشانگر این‌که نقاش در آن زمان به این نتیجه رسیده که می‌توان تمام طبیعت را بر اشکال و حجم‌های هندسی منطبق کرد. وجه دیگر نقاشی‌های محمودخان توجه به زندگی مردم عادی و همچنین استفاده از تکنیک کلاژ است، چنان‌چه از خرده تمبرها، اهرام ثلاثه را می‌سازد

هنرها

برای بررسی این‌که نقاشی مدرن، در ایران بیگانه و وارداتی است یا این‌که ریشه‌دار و خودی‌ست، باید نگاهی عمیق به پیشینه نقاشی مدرن در ایران بیفکنیم؛ در میان نقاشی‌های دوران قاجار، شیوه‌های اجرای نقاشی نوگرایانه را در آثار کسانی نظیر محمودخان ملک‌الشعرا و همچنین آثار صنیع‌الملک مشاهده می‌کنیم و «اگر بخواهیم منصفانه بگوییم پدر نقاشی مدرن در ایران محمودخان ملک‌الشعرا و صنیع‌الملک بودند»^۱. افزون بر این کلاژ نیز در آثار این دوره از نقاشان مشاهده می‌شود.

محمودخان ملک‌الشعرا از نقاشان مطرح و همدوره سزان و نیز از مبدعان نقاشی نو است. در تابلوی «استنساخ» او، هیكل‌ها از حجم‌های هندسی حاکم تشکیل شده و یک طرح پیش‌کوبیستی است، و نشانگر این‌که نقاش در آن زمان به این نتیجه رسیده که می‌توان تمام طبیعت را بر اشکال و حجم‌های هندسی منطبق کرد. وجه دیگر نقاشی‌های محمودخان توجه به زندگی مردم عادی

و همچنین استفاده از تکنیک کلاژ است، چنان‌چه از خرده تمبرها، اهرام ثلاثه را می‌سازد»^۲.

اشاره‌ای از یحیی ذکا در باره آثار محمودخان، گواهی بر ماهیت مدرنیستی آثار این هنرمند است؛ «در نمایشگاه آثار هنرمندان ایرانی که به سال ۱۳۳۵ خورشیدی از طرف دولت ایران در موزه گیمه شهر پاریس تشکیل شده بود، وقتی رئیس مدرسه هنرهای وابسته به صنعت پاریس در مقابل تابلوی «استنساخ» قرار گرفت، بی‌اختیار گفت: این‌کار مدرن‌ترین و جدیدترین اثری است که من تاکنون دیده‌ام و اضافه کرد: این نقاش حتماً از کارهای «دالی» الهام گرفته است. ولی وقتی امضاء و تاریخ تابلو برای رئیس مدرسه ترجمه و به او توضیح داده شد که محمودخان سال‌ها قبل از آن که دالی به شهرت برسد چشم از جهان فرو بسته، در شگفت ماند»^۳.

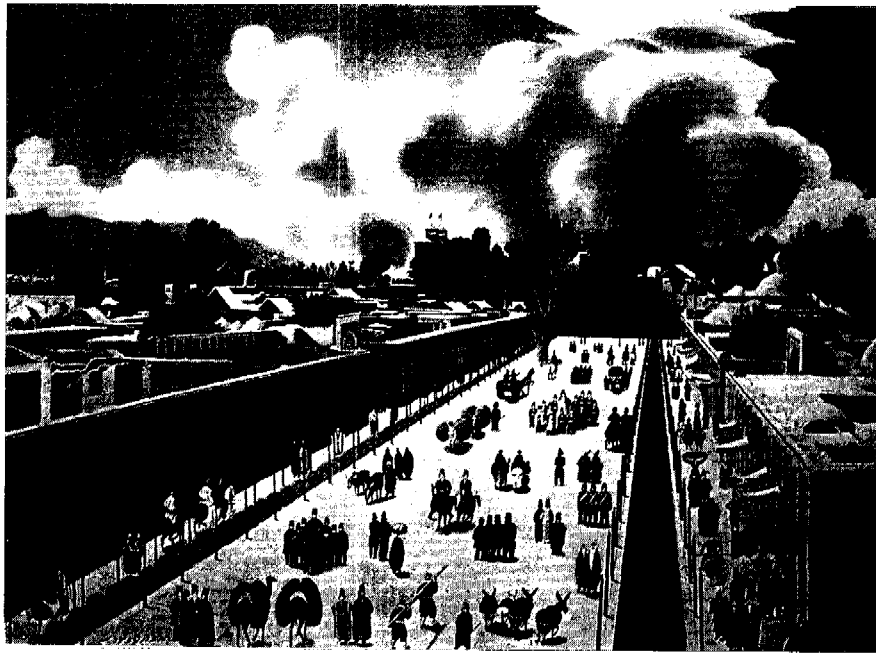
به این ترتیب می‌توان ظهور هنر نو در ایران را به دوران قاجار منتسب کرد، اما قابل توجه است که نطفه‌ای که در شرق در ارتباط با نقاشی نو تشکیل گردید، در مغرب زمین رشد کرد و بارور شد و به ثمر

نشست. زیرا از زمینه‌های بروز و رشد این نطفه در مشرق زمین بنابه دلایل سیاسی و اجتماعی و

فرهنگی - که بحث درباره آن از این مقال خارج است - جلوگیری شد.

همچنین نمی‌توان تأثیرات هنر شرق را در پدید آمدن جرقه‌های هنر نوین غرب نادیده گرفت.

«در سال‌های پایانی سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم، نمایشگاه‌های متعددی از هنر اسلامی در اروپا و به‌ویژه پاریس برگزار شد. نمایشگاه هنر اسلامی ۱۸۹۳، نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۰۰ پاریس که ضمن آن هنرمندان و نسل جدید را با نمونه‌های درخشانی از هنر ایرانی، عثمانی، مراکشی، تونسی، الجزایری و مصری آشنا کرد. نمایشگاه موزه هنرهای تزئینی پاریس ۱۹۰۳، مائیس بعدها ضمن مصاحبه‌ای با «ژاک گینه» عنوان کرد: «هیجانی برای رنگ در درونم شکل می‌گرفت. هم‌زمان با آن نمایشگاه بزرگ هنر محمدی برپا شد» ولی شاید هیچ‌یک از این نمایشگاه‌ها، به قدر نمایشگاه هنر اسلامی که در



در سال‌های پایانی سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم، نمایشگاه‌های متعددی از هنر اسلامی در اروپا و به‌ویژه پاریس برگزار شد. در همان زمان بود که ماتیس در گفت‌وگویی عنوان کرد: «هیچانی برای رنگ در درونم شکل می‌گرفت. هم‌زمان با آن نمایشگاه بزرگ هنر محمدی برپا شد.» ماتیس در سال ۱۹۱۰ پس از دیدار از نمایشگاه هنر اسلامی که در مونیخ برگزار شد، در حالی که تحولی در اندیشه و ذهن‌اش پدید آمده بود، گفت: «شرق ما را نجات داد».

سال ۱۹۱۰ در مونیخ برگزار شد، موجب تحول اندیشه و ذهن ماتیس نشده باشد. ماتیس که از نمایشگاه هنر اسلامی مونیخ اطلاع پیدا کرده بود برای دیدن آن و تجربه مستقیم هنر اسلامی عازم مونیخ شد. پس از این دیدار بود که گفت: «شرق ما را نجات داد».

رویین پاکباز محقق هنر معاصر ایران در این باره می‌گوید: «ماتیس در سال ۱۹۱۰ به اتفاق «البر مارکه» از نمایشگاه هنر اسلامی مونیخ دیدن کرد و به‌خصوص به بررسی قالی‌ها، مفرغ‌ها و نگاره‌های ایرانی پرداخت. نمایشگاه نگاره‌های ایرانی در موزه هنرهای تزئینی پاریس (۱۹۱۲ م) فرصت دیگری را برای ماتیس به‌وجود آورد تا مطالعاتش را درباره این هنر دنبال کند.

بعدها خود ماتیس در مصاحبه‌ای با تأکید بر این تأثیرگذاری می‌گوید: الهام من همواره از شرق آمده است. در [نمایشگاه هنر اسلامی] مونیخ با تأیید تازه از پژوهش‌هایم روبه‌رو شدم. برای مثال، نگاره‌های ایرانی همه امکانات احساس‌هایم را به من نشان داد. این هنر با ملحق‌تتش یک فضای فراخ - یک فضای

تجسمی حقیقی - را القاء می‌کرد و این به من کمک کرد تا از محدوده مرسوم نقاشی صحنه‌های خودمانی فراتر بروم».

«در سال ۱۳۷۶ (هش، ۱۳۱۵ ه‍.ق، ۱۸۹۷ م) کمال‌الملک در سن ۵۱ سالگی عازم فرنگ شد^۴ و ۴ سال در آن‌جا ماند. پس از بازگشت از سفر، به پرورش گروهی از هنردوستان پرداخت. شاگردانش همگی به شیوه او در ساختن آثارشان به سبک کلاسیک همت گماردند. اما شیوه امپرسیونیستی نیز در آثار برخی شاگردان وی بر جای مانده است.» ابوالحسن صدیقی در سال (۱۳۰۴ ه‍.ق) کارهای مدرن ساخته است. او تصویر خودش و علی‌محمد حیدریان و مریم مقدس را کشیده است. صدیقی پرتره خواهرش را نیز در سال ۱۳۰۴ ساخته است که اولین کار امپرسیونیستی است. او در سال ۱۳۰۷ که به ایتالیا می‌رود «میدان سن مارکو ونیز در شب» را می‌کشد^۵. اما هنوز برخی معتقدند که هنر نو در ایران از سال‌های ۱۳۲۰ ه‍.ش وارد شده و یک هنر کاملاً وارداتی است و کسانی مانند پزشک‌پور، ضیاء‌پور، حمیدی، کاظمی، جوادی‌پور آن را وارد

ایران کردند. اما بدیهی‌ست که عمر نقاشی نو در ایران بسیار کهن‌تر از دهه بیست است. □
کارشناس ارشد پژوهش هنر

پانوشت:

۱. آیت‌اللهی، حبیب‌الله... مصاحبه جهت تز کارشناسی ارشد پژوهشگر. دانشگاه شاهد، تهران، ۱۷ بهمن ۱۳۸۸
۲. مجابی، جواد. آغاز تاریخچه نقاشی مدرن در ایران با معرفی دوره‌های مختلف (۱). خانه هنرمندان، چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۸
۳. مجابی، جواد. پیشگامان نقاشی معاصر ایران. نسل اول، ترجمه کریم امامی، نشر هنر ایران، تهران ۱۳۷۶
۴. حسینی، مهدی، سلکوت شرق و اقلیم خیال غرب، طوبی، مجموعه مقالات اولین دوسالانه نقاشی جهان اسلام، فرهنگستان هنر، تهران ۱۳۷۹
۵. پاکباز، رویین. هانری ماتیس و نگارگری ایرانی، طوبی، مجموعه مقالات اولین دوسالانه نقاشی جهان اسلام، فرهنگستان هنر، تهران ۱۳۷۹
۶. سهیلی‌خوانساری، احمد، کمال هنر، انتشارات علمی و نشر سروش، تهران ۱۳۶۸
۷. مجابی، جواد. آغاز تاریخچه نقاشی مدرن در ایران با معرفی دوره‌های مختلف (۱). خانه هنرمندان، چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۸

ریتا داو؛ قمری خوشخوان جهان

ملک الشعراء ایالات متحده از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۵

● محمدصادق رئیسی

Raisee-mo@yahoo.com

Rita Dove



روبه‌رو می‌سازد.

ریتا داو با آن‌که شاعری سیاه‌پوست و زن بود اما همواره به جهت غنای آثارش در کانون توجهات منتقدان بزرگ و نیز نشریات معتبر جهانی قرار دارد. داو در ایران شاعری ناشناخته است و ترجمه‌های حاضر تقریباً جزو اولین آثار وی است که به زبان فارسی برگردانده می‌شود. از ریتا داو تا کنون پنج مجموعه شعر مستقل به نام‌های «خانه زردرنگ محقر، موزه، توماس وبولا، یادداشت‌های فریبنده و عشق مادرانه» و یک مجموعه اشعار به چاپ رسیده است.

در آکرون، او هیو به دنیا آمد و در همان‌جا بزرگ شد. یک رمان به نام «از میان دروازه‌های عاج»، یک مجموعه داستان، یک درام منظوم، مجموعه مقالات و پنج کتاب شعر منتشر کرد که در میان آن‌ها «توماس وبولا» در سال ۱۹۸۷ برنده جایزه پولیتزر شد. وی بورسیه‌های بی‌شمار و جوایز زیادی دریافت کرده است. او مدرس دانشگاه ویرجینیا است و هم‌اینک در نزدیکی Charlottesville به همراه شوهر و دخترشان، وی‌ویا، زندگی می‌کند.

داو شیفته کتاب است و از این عشق مفرط که از بچگی با او بوده، چنین می‌گوید: «من عاشق نجوای خشک و ترد چرخش کاغذ، رایحه مشک‌بیز صفحه کهنه و بوی جوهر نیز صفحات جدید بودم. جلد‌های چرمی مرا به خلسه می‌بردند. من حتی عاشق خیره شدن به یک کتاب بسته و رؤیای امکانات درون‌شان بودم.» داو همواره از محبوب‌ترین کتاب خود حرف می‌زند: داستان افسانه‌ای مورد علاقه‌ام داستان «هزار و یک شب» است.

در شعر بیشتر به آثار شکسپیر، هیوز، دانته و شاعران بزرگ جهان توجه دارد. میل شدید بازگشت به دوران کودکی در آثار داو موج می‌زند. او می‌کوشد به دنبال پرسش‌هایش به کودکی بازگردد که معتقد است در آن‌جا یک روح لطیف خداگونه جاری‌ست. آثار ریتا داو مملو از هوشیاری و بصیرت نسل زنان سیاه‌پوست است که در صدای شاعرانه وی جاری‌ست و با مهارت‌های مؤثر تکنیکی و جاندار بودن آثارش که انسان را با حس ویژه‌ای مسحور می‌سازد. همچنین صور خیال شاعرانه آثار داو همواره بازگشت و پس‌گشت‌های تاریخ، چه به صورت مشخص و چه اجتماعی، خواننده را با لایه‌های چندگانه‌ای مواجه می‌سازد که اغلب با تصاویر غیرمنتظر بیان می‌شود و آن‌چه آثار وی را دلپذیر می‌سازد، توانمندی‌اش در به تصویر کشیدن شخصیت‌های حقیقی، اوضاع و احوال خانوادگی و دم‌دست‌ترین موضوعات جاری پیرامون زندگی از جمله نواختن موسیقی، غذا خوردن، نوشیدن هر چیزی و همه آن‌چه جزئی عادت‌های روزمره‌اند، به همان سادگی و با زبانی لطیف و ساده به جهان عظیم شاعرانه وارد می‌شود. در کتاب «مجموعه اشعار» که ترجمه‌های حاضر از این مجموعه است - عمده شعرها با مفاهیم بزرگ شکل یافته‌اند، مفاهیمی که در ذهن و زبان تمام سیاهان جهان نقش بسته است. بردگی، آزادی، وطن، جهان، حتی بیان زندگی پدر بزرگ‌اش - در کتاب توماس وبولا - برنده جایزه شعر پولیتزر - ۱۹۸۷ - و دیگر مسائل شخصی‌اش با زبانی داستان‌گونه به شعر درآمده‌اند، از همین رو به جرأت می‌توان گفت تقریباً تمامی شعرهای داو از این منظر خواننده را با شگفتی

هسته

بر جهیده

درون کاسه‌ای و

زندگی می‌کند

چند صباحی.

خاک سرد

بی‌ستاره

در این سنگ

آسمان.

تو ایستاده

درد می‌کشی.

مهره پشتات.

شاخه گلی است.

مرواریدها

تو مسیر سنجاقک را به هم زده‌ای

که به ایوان خانه‌ام می‌آید

در آن‌دم که آسمان خورشید را از یاد

برده است

تو آمدی بگویی

ما چه گونه سرخوشیم

من اما می‌دانم، انجام نمی‌دهی

تا شادمان کنی.

مثلاً همین گردن‌بند کنار من: چشمان

سفید

کمند اشک‌های بی‌تزویر.